

## سخنرانی مهندس مهدی بازرگان در شیراز:

### استبداد منافع استعمار را در ایران حفظ کرد\*

ایران در هیچ زمانی مستعمره نشد، همین استبداد بود که حافظ منافع استعمار بوده است. مهندس بازرگان در ادامه سخنان خود از اسلام و تشیع و تفاوت آن با دیگر مذاهب سخن گفت و آنگاه به سیر مختصر دموکراسی بعد از انقلاب مشروطیت پرداخت و گفت:

تحریم تنباکو را به حق باید بعنوان گام اول نهضت آزادیخواهی و قیام ملت ایران شناخت، این اولین گام بود که از طرف مرحوم آیت‌الله شیرازی که شما شیرازی‌ها می‌توانید بخود ببالید، یک شیرازی رهبر نخستین گام آزادیخواهی ایران بوده است و این نهضت علیه یک امتیازی است که به خارجی‌ها داده شده است اما آنچه آیت‌الله شیرازی گفت مطلقاً در این محدوده نمی‌گنجید. مسئله، مسئله اقتصادی نبود، استعمار و استثمار هم نبود که اینقدر پول نصیب خارجی‌ها بشود. آنچه آیت‌الله شیرازی را نگران می‌کرد اولین رخنه خارجی غیر مسلمان به ایران بود و اینکه مذهب ما در مرحله اول و ملیت و استقلال ما بخطر بیافتد، جنگ اقتصادی و مبارزه با استعمار مورد نظر بود. این نهضت با شجاعت تمام به پیروزی رسید، من یادم نیست که واگذاری دریای خزر به شوروی قبل از نهضت تنباکو بود یا بعد اما بالاخره شاه جاهل و صدراعظم جاهل امتیاز بحر خزر را به شوروی دادند و بعدها این خواست بصورت درخواست امتیاز در زمان مظفردالدین شاه توسط (داری) تغییر کرد، یعنی حکومت آن زمان غیر از طلا و نقره که محبوب شاه بود به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشید بنابراین امتیاز نفت را به داری دادند و طوق بندگی به گردن ایران افتاد.

این بود که مقدمات جنبش مشروطیت بوجود آمد اما جرقه انفجار مشروطیت توهینی بود که عین‌الدوله به طلاب مدرسه صدر وارد آورده بود. همچنین یک دسته خارجی در سفارت بلژیک در یک مجلس جشن برای خوشگذرانی لباس روحانیت پوشیده و مسخره بازی درآورده و عکسی که از این جریان گرفته شد ملت را برانگیخت و قشر روشنفکر که از ترکیه و اروپا آمده بودند انقلاب را فروختند. روحانیت نیز در همین زمان بسوی آزادیخواهی آمد و قیام علیه خارجی‌ها و بدست آوردن آزادی بر ضد استبداد بوجود آمد.

احمد شاه زیر بار تجزیه ایران به شمال و جنوب نرفت لذا نظام جدید بوجود آمد و رضاشاه را با کودتا به نفع انگلیس روی کار آوردند. در آغاز کار مردم تصور می‌کردند رضا شاه سازمان نو و امنیت را برایشان خواهد آورد و کوتاه کردن دست خارجی و ایلات و عشایری که نان‌خور خارجی بودند، این کارها احتیاج به ضدیت با مذهب داشت، چون شایع کرده بودند که اسلام مخالف تجدد است و مبارزه با خارجی هم وسیله‌ای شد برای بوجود آوردن یک سازمان مجهز پلیسی و ارتشی و نتیجه آن این شد که مذهب از بین رفت و قدرت پلیسی و ارتشی به شخص استبدادکننده یعنی رضاشاه

در آمد. مردم شدیداً ناراضی بودند، که جنگ جهانی پیش آمد، رضا شاه در این جنگ بفوریت ساقط شد.

مهندس بازرگان آنگاه به شکل بوجود آمدن جبهه ملی اشاره کرد و بعد گفت:

ایران در هیچ زمانی مستعمره نبوده و استعمار نشده، بلکه همین استبداد بوده که حافظ منافع استعمار بوده است، بنابراین سه ماه قبل من اولین ایرانی بودم که بحضور حضرت آیت الله العظمی خمینی رسیدم و ایشان گفتند من تعجب می کنم از رجل سیاسی ایران (شاید منظورشان مصدق بود) که چرا این شجره خبیثه را از بین نبرند. در آن زمان مصدق هم نمی توانست با ملت بجنگد چون مردم حتی تصور هم نمی کردند که بشود بدون شاه زندگی کرد، حتی حوزه علمیه قم در زمان آیت الله العظمی بروجردی با نهضت مصدق همراهی نمی کرد. پس از بازگشت شاه و درگذشت (علیرضا) تسلیم کذائی ایشان هم با "حفظ الله ملکه" همراه بود، چون تصور می کردند اگر شاه برود ایران کمونیست می شود. از زمان بعد از مصدق سیل پول به نفع استبداد به ایران سرازیر شد. یعنی از سر تصدق مصدق و ملت پول به ایران سرازیر شد. قرارداد ۵۰-۵۰ بود. مردم دیگر مجبور بودند که شاه را تا حد خدائی پیش ببرند و هی بگویند سپاس - سپاس - سپاس، یعنی شاه "تسبیح" شود و پیروی از شاه توسط مردم آنچنان بود که از بندگان خدا در برابر خدا باید باشد. ظلم و ستم و بیداد و شکنجه و چپاول بحدی رسید که تمام طبقات بیدار شدند.

در زمان جبهه ملی ۱۳۲۹ تنها یک دسته بودند که می گفتند شاه مقصر است ولی سایرین این را نمی گفتند، شعار دیگران قانون اساسی بود، توده های ها می گفتند "علیه استعمار و استثمار باید جنگید"، روحانیون داد می زدند "علیه بی دینی" و بازاریان داد می زدند "علیه مالیات" و هیچکس علیه استبداد فریاد نمی کشید. اما جریانات ۲۵ سال به این طرف باعث شد که مردم بیدار شوند و بدانند که دشمن اصلی ما آمریکائی ها، انگلیسی ها و روس ها نیستند (که البته هستند) بلکه اصل کار استبداد شاه است، اگر انگلستان و روسیه و آمریکا ریشه های صد ساله و ۲۰۰ ساله دارند، این ریشه ۲۵۰۰ ساله دارد مثل شیطان در خانه و کاشانه ماست، این ۲۵ سال حکومت زور و ظلم و شکنجه و فساد ملت را بیدار کرد و اینجا بود که امر خدا واضح شد. این دوران استبداد کامل باعث از بین رفتن نسل پاک و شیوع انواع فسادها که از همه بدتر تملق و چاپلوسی و از بین بردن کشاورزی است.

در این ۲۶ ساله در خارج فعالیتها شد اما در داخل هیچ روزنه ای نبود. یک اشتباه از جانب آمریکا و آن مسئله حقوق بشر بود که شیپور بدبختی رژیم بود، آمریکائیها اسم آزادی حقوق بشر آوردند که ناگهان نم نمکی از آزادی روی این زمین مرده ریخت بویژه با خون شهدا و مجاهدین آبیاری شد. بهار آزادی و غیره یک مرتبه از هر طرف جوانه ها و نهال آزادی را بیرون آورد، کم کم مردم بیرون آمدند. شبهای شعر بویژه مجلس ختم فرزند برومند حضرت آیت الله خمینی در مسجد ارک تهران برقرار شد، با دکتر و مهندس و جبهه ملی و نهضت آزادی و دانشجویان همگی مژده ای بود که به همه مردم ایران دادند و وارد یک مرحله تازه ای شدیم و باز هم تاریخ تکرار می شود.

مقاله کذائی به دست ساواک در روزنامه اطلاعات درج شد. درست مانند زمان مشروطیت و این باعث شد وحدت حوزه علمیه قم و یکپارچگی روحانیت قدرت بیشتری پیدا کند. مملکت منقلب شد،

نهضت قیافه دیگری گرفت چون با اینکه تشیع هیچوقت با حکومت ظلم و جور همکاری نداشته اما در این اواخر یک حالت بی تفاوتی نسبت به اوضاع داشت.

در سال ۱۳۴۲ انقلاب بوجود آمد. طلسم پوسیده بدست حضرت آیت الله العظمی خمینی شکسته شد. روحانیت تشیع راه خودش را شناخت باید با استبداد بجنگد، باید شجره خبیثه ۲۵۰۰ ساله را برکند پیوند مردم و روحانیت بوجود آمد نهضتی بوجود آمد که در تاریخ دنیا بینظیر است.

ما مردم ایران هیچ راه فراری نداریم، استبداد در نهایت قدرت و مردم در نهایت گرسنگی و ضعف، اما آنچه ما داریم وحدت کلمه و وحدت داخلی و در برابر عدم اتکا به خارج، توکل به خدا داریم، از خصوصیات رهبر ما حضرت آیت الله العظمی خمینی اتکا و توسل فراوانی است که به خداوند دارند. در این مدت هر کاری دولت کرده بضررش تمام شده چماق بدستها، پول خرج کردند، تبلیغات ارتش همه و همه و ما انشاء الله به پیروزی خواهیم رسید، دستپاچه نباید باشیم مغرور هم نشویم تازه در اول راهیم در اول کوچه نخست منزلگاه عشق هستیم. یک بحث دیگر هم اینکه ما باید تقوا داشته باشیم تقوائی که باید شامل محبت، اتحاد و اعتراض از عدم انضباط و غیره باشد.

**ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و ثبت اقدامنا.**

این گام اول یعنی اعزام یک هیئت به خوزستان، باید نفتی‌ها وحدتشان را حفظ نمایند.